

رویکردهای گوناگون به حدیث و حدیث پژوهی در دوران معاصر

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۸/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۳/۸

سعید شفیعی^۱

چکیده

رویکردهای محققان معاصر درباره حدیث و حدیث پژوهی را می‌توان به جهات گوناگونی تقسیم کرد، که در مقاله حاضر، نگاه محققان نسبت به «دین»، معیار این تقسیم قرار گرفته است. یکی از مهم‌ترین رویکردها در این بحث، نص‌گرایان هستند که تنها راه شناخت دین را خود نصوص دینی می‌دانند و به ویژه سلفیان اهل سنت و برخی از اخباریان شیعه، حدیث را در جایگاه بالایی قرار می‌دهند. برخلاف این، اغلب قرآنیون و گروهی از عقل‌گراها چندان وقعی به حدیث نمی‌نهند.

از سوی دیگر، نوگراها به تاریخی بودن متون دینی معتقدند و در تفسیر متون دینی بر تاریخی‌نگری، زبان‌شناسی و هرمنوتیک تأکید می‌کنند. این عده متون دینی را تاریخی و ادبی دانسته و به روش‌های غربی به تحلیل آن‌ها می‌پردازند. اما، نتیجه این نوع تحقیقات، غالباً در تألیفات حدیث پژوهان غربی دیده می‌شود؛ زیرا محققان مسلمان کمتر به این رویکرد، خصوصاً در مورد حدیث، التفات داشته‌اند. بر اساس نتیجه این پژوهش، نگاه غالب معاصر به حدیث، رویکرد جمهور در میان اهل سنت و رویکرد اصولی در میان شیعیان است، که دیدگاه‌های سنتی و میانه‌تری نسبت به جایگاه حدیث و حدیث پژوهی دارند.

کلیدواژگان: حدیث، حدیث پژوهی، دوران معاصر، نص‌گراها، عقل‌گراها، نوگراها، حدیث پژوهان غربی.

درآمد

یکی از مهم‌ترین مسائل محققان سنتی در بحث از حدیث و سنت، جایگاه و اعتبار

۱. استادیار دانشگاه تهران (s.shafiei@ut.ac.ir).

حدیث است. مسلمانان، حدیث و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و اولیای دینی خود را دارای اعتبار یا حجیت شرعی می‌دانند و از حجیت یا عدم حجیت آن در علوم مختلف اسلامی سخن می‌گویند. حدیث نزد اغلب مسلمانان، پس از قرآن کریم، دومین منبع شریعت و احکام دینی برای آن‌ها به شمار می‌رود. در عین حال، احادیث به علت دچار شدن به پدیده جعل و تحریف، همواره توسط خود مسلمانان و دیگران نقد شده است. هدف این پژوهش، تقسیم‌بندی رویکردهای مختلف فکری در دوران معاصر به جایگاه حدیث و حدیث پژوهی است. این کار با مروری بر جریان‌های سنتی اهل سنت و شیعه، رویکردهای نوگرا و نظرات خاورشناسان همراه خواهد بود.

رویکردهای گوناگون به حدیث و حدیث پژوهی در دوران معاصر را می‌توان از جهات گوناگون، مثلاً با توجه به مفاهیم کلی و زیربنایی تقسیم‌بندی کرد. اگر بحث را از واژه «دین» - که حدیث یکی از دو منبع شریعت اسلام، و اسلام یکی از ادیان است - آغاز کنیم، مسأله به این صورت خواهد بود که آیا انسان در شناخت جهان هستی به دین نیاز دارد یا خیر؟ پاسخ منفی به این سؤال، نگاه غالب بر فلسفه معاصر غرب است که تا حد بسیاری بر دین پژوهی معاصر غرب تأثیر گذاشته و حتی نوگرایان مسلمان را تا حدی متأثر کرده است؛ اما در صورت دادن پاسخ مثبت به این سؤال، این بحث به میان می‌آید که دین را چگونه باید شناخت؟ از آنجا که تعالیم ادیان اغلب در قالب «نص» یا متن به دوران معاصر رسیده، دودیدگاه کلی در پاسخ مطرح می‌شود: فهم متن به کمک متن (نص‌گرایی) و یا فهم متن به کمک متن و دیگر ابزارهای معرفت (عقل‌گرایی، شهودگرایی).

از اینجا می‌توان رویکردهای گوناگون را از یکدیگر متمایز کرد. برخی از معتقدان به دین اسلام، تنها راه شناخت دین را خود نصوص دینی می‌دانند و به اصطلاح «نص‌گرا» هستند. از آنجا که اولاً، نصوص دین اسلام مشتمل بر قرآن کریم و احادیث است و ثانیاً، هیچ کدام از آن‌ها در این اختلافی ندارند که تنها متن مصون از جعل و تحریف، قرآن است، اینان خود به چند دسته تقسیم می‌شوند: «قرآنیون» معتقدند که تنها نص معتبر در دین اسلام «قرآن» است و برای احادیث نبوی ارزشی قایل نیستند. «سلفیان» اهل سنت و «اخباریان» شیعه بر فهم قرآن با تکیه بر حدیث تأکید می‌کنند. این هر سه دسته به نوعی نص‌گرایی معتقدند و به آرای اجتهادی فقیهان چندان وقعی نمی‌نهند.

«جمهور» اهل سنت و نیز «اصولیان» شیعه به شیوه قدیم فقها، بر اجتهادات فقهی و کلامی بر اساس قرآن و سنت و اجماع و قیاس و مانند آن تکیه می‌کنند. «عقل‌گراها» بر فهم عقلانی

از دین، یعنی قرآن و سنت، تأکید می‌کنند و به تأویل آیاتی که مخالف عقل است و یا به ردّ و تأویل این دسته از احادیث دست می‌زنند. عده اندکی از مسلمانان، همچنان به واردات قلبی و عرفانی در فهم متون دینی توجه دارند و به دیدگاه‌های «متصوفه» قایل هستند. سرانجام، نوگراها، به تاریخی بودن متون دینی، اعمّ از قرآن و حدیث، معتقدند و در نقد و تفسیر منابع دینی بر تاریخی‌نگری، هرمنوتیک و زبان‌شناسی تأکید می‌کنند. در واقع، این عده به نوعی پاسخ منفی به سؤالی که در آغاز مطرح شد می‌دهند و متون دینی را نه وسیله کسب معرفت، بلکه متون تاریخی و ادبی دانسته و به روش‌های غربی به تحلیل آن‌ها می‌پردازند. اما، نتیجه این نوع تحقیقات غربی، نه در آثار مسلمانان، که در تألیفات حدیث‌پژوهان غربی دیده می‌شود؛ زیرا محققان مسلمان کمتر به این رویکرد، خصوصاً در مورد حدیث، التفات نشان داده‌اند.

۱. رویکردهای اهل سنت

رویکردهای حدیث‌پژوهی در میان اهل سنت را می‌توان به چهار دسته سلفی، جمهور، قرآنیون و تجدیدنظرطلبان تقسیم کرد. هر چند، چنین نامیدنی به این معنا نیست که مثلاً تجدیدنظرطلبی رویکردی کاملاً نوین و بی‌سابقه در تاریخ اسلامی است؛ بلکه چنین دیدگاه‌هایی در میان متفکران قدیم به خصوص معتزله و عقل‌گرایان ریشه دارد و از این رو، آن‌ها را «معتزله نوین» یا «نومعتزله» هم نامیده‌اند.

۱-۱. سلفی‌ها

«سلفیه» در دوران معاصر به گروهی از اهل سنت اطلاق می‌شود که معتقدند: اولاً، در فهم دین باید به قرآن و سنت رجوع شود و ثانیاً، قرآن و سنت باید به شیوه سلف صالح فهمیده شود. مقصود از «سلف» را به اختلاف: عصر صحابه، دوره صحابه و تابعان، سه و یا چهار قرن اول هجری دانسته‌اند. سلفی‌گری یا دعوت به گذشته، از زمان‌های دور شکل گرفته است. در قرن چهارم، برخی از حنبلی‌ها بدان دعوت کردند و سپس ابن تیمیه، در قرن هفتم، بدان فراخواند و در قرن دوازدهم نیز محمد بن عبدالوهاب پرچمدار آن بود و تا امروز پیروان وی، به عنوان وهابیان، همان طریقه را دنبال می‌کنند. بنابراین، برخی سلفیه را بنا بر نام محمد بن عبدالوهاب، «وهابیه» نامیده‌اند.^۲

۲. رک: الاتجاهات المعاصرة فی دراسة السنة النبویة فی مصر وبلاد الشام، ص ۳۴۲، ۳۴۵.

درواقع، سلفیه به نوعی نص‌گرایی و تأکید بر بازگشت به سنت و فهم سلف از دین تأکید دارند و به آرای فقیهان چندان وقعی نمی‌نهند، زیرا گاه آرا و دیدگاه‌های فقهی بر نصوص مقدم می‌شود. مهم‌ترین شخصیت سلفی در دوران معاصر، محمد ناصرالدین نجاتی‌البنانی است که به سبب کثرت تألیفاتش درباره حدیث، بسیاری از علما و مؤلفان معاصر اهل سنت را تحت تأثیر قرار داده است. از شاگردان وی می‌توان به خیرالدین وائلی، محمد عید عباسی، محمد لطفی الصباغ، عمر سلیمان الاشقر، احمد السید الخشاب، حمدی عبدالمجید السلفی و احسان الهی زهیر اشاره کرد. البنانی کتاب‌های زیادی منتشر کرده است، که بیشتر در چند محور است: تخریج احادیث، تدوین موسوعه‌های احادیث صحیح و ضعیف، تفکیک احادیث ضعیف در کتب سته، و تحلیل برخی از موضوعات فقهی و روایی.^۳

از دیدگاه سلفیان، قرآن به سنت نیازمند تر است تا سنت به قرآن. آن‌ها معتقدند که در تعارض بین احادیث باید به روش‌های سنتی عمل شود و اگر کسی توهم کرد که حدیثی با قرآن یا عقل مخالفت دارد، به سخنان اهل علم مانند ابن قتیبه، ابن تیمیه، ابن قیم، ابن حزم و خطابی رجوع کند و بدون دلیل حدیث را ضعیف نداند؛ زیرا گاهی در برخورد اول با حدیث معنایی به نظر می‌آید که پس از رجوع به سخنان علما، خطای فهم و کاستی عقل او آشکار می‌شود.^۴

۲-۱. جمهور اهل سنت

در دوران معاصر، آثار بسیار گسترده‌ای از سوی محققان اهل سنت در شاخه‌های مختلف علوم حدیث پدید آمده که بیشتر محصول مؤلفان متمایل به جمهور اهل سنت است. جمهور حدیث پژوهان اهل سنت، بیشتر «نص‌گرا» بوده و مشخصات کلی آن‌ها به این صورت است: خبر واحد را در تمامی موضوعات دینی حجت می‌دانند؛ بر نص حدیث تأکید بیشتری دارند و کمتر به تأویل متن می‌پردازند؛ بر این باورند که عمده احادیث در مطالعات دینی پذیرفتنی و قابل اعتماد است و سخت‌گیری چندانی در نقدهای سندی و محتوایی ندارند. از مؤلفان مشهور در این رویکرد می‌توان از محمد مصطفی اعظمی، مصطفی سباعی، نورالدین عتر، محمد محمد ابوزهو، محمد عجاج خطیب، محمد لقمان سلفی، محمد

۳. رک: همان، ص ۳۶۳-۳۵۱، ۳۶۴ به بعد.

۴. نهج الاعتدال فی الاتجاهات الفکرية المعاصرة، ص ۱۷۵-۱۷۶.

محمد ابوشهبه، اکرم ضیاء عمری، ابراهیم عوض و عبدالغنی عبدالخالق نام برد. این عده معتقدند که مفاد خبر واحدی که راوی عادل نقل می‌کند، علم آوراست، پس پیروی از آن، پیروی از ظنّ نیست تا مصداق نهی کلام خدا باشد. علاوه بر آن که از دیدگاه مؤلفان سنتی، فهم دین و ایمان باید بر اساس عرف زبان عرب باشد، نه بر مبنای منطق یونان و سخنان فلاسفه، و گفته‌های نواندیشان و روشنفکران معاصر از نظر آن‌ها اعتباری ندارد.^۵

۳-۱. تجدیدنظرطلبان

رویکردهای تجدیدنظرطلب بیشتر دعوی اصلاح‌گری در دین دارند و در پی ایجاد تغییرات بنیادی در اصول و پایه‌های اعتقادی و دینی مردم هستند. رویکردهای تجدیدنظرطلب در حدیث اهل سنت را می‌توان به چهار دسته قرآنیون، عقل‌گرایان، نوگراها و متصوفه تقسیم کرد. هرچند، این رویکردها تفاوت‌های بسیاری با یکدیگر دارند، اما ویژگی‌های فکری عمده این عده، برخلاف دیدگاه سنتی بوده و به صورت ذیل قابل شناسایی است: از نظر آن‌ها، دایره اعتبار حدیث یا حجیت خبر واحد به موضوعات فقهی محدود است و عقاید، اخلاق و... را شامل نمی‌شود؛ آن‌ها در اثبات صدور حدیث، سخت‌گیری‌های سندی و متنی دارند و به اجتهاد عقلی در تفسیر نصوص و نیز تأویل متون معتقدند.

۱-۳-۱. قرآنیون

قرآنیون جریانی است که به نوعی «قرآن‌بستگی» قایل شده و اعضای آن معتقدند که قرآن کریم برای هدایت مسلمانان کافی است؛ و در واقع، اغلب آن‌ها به نفی اصالت حدیث و سنت پیامبر ﷺ اعتقاد دارند. آن‌ها بر این باورند که قرآن کتابی جامع است، اما در این که قرآن تمام تفصیلات و جزئیات دینی را شامل می‌شود یا نه، اختلاف دارند. برخی از قرآنیون معتقدند که همه تفصیلات احکام دینی در قرآن وجود دارد، اما برخی دیگر قرآن را مشتمل بر اصول و قواعد کلی شرع دانسته و معتقدند تبیین تفصیلات و جزئیات احکام بر عهده عقل یا مرکزی در حکومت (مرکز الملة) قرار دارد. روشن است که عقل در این نگاه، حتی در تشخیص احکام فرعی شرعی، صلاحیت می‌یابد و بنابراین، این دیدگاه با اعتراضات بسیاری از سوی

۵. رک: أضواء على السنة النبوية، ص ۱۸۸-۱۸۹، ۳۷۷، ۳۹۵؛ دراسات في الحديث النبوي، ج ۱، ص ۲۶-۲۷؛ دفاع عن السنة...، ص ۸۹-۹۰؛ السنة ومكانتها في التشريع الإسلامي، ص ۴۱۲؛ آراء محمد رشيدرضا في قضايا السنة النبوية من خلال مجلة المنار، ص ۱۸۸-۲۱۱.

فقیهان سنتی مواجه گردید.

قرآنیون معاصر، هرچند نص قرآن و تشریحات آن را فرازمانی و فرامکانی می دانند، اما در آثار آن ها رگه هایی از تاریخی نگری و نیز تفکرات سوسیالیستی دیده می شود. خاستگاه این اندیشه در دوران معاصر، یکی شبه قاره هند و دیگری کشور مصر است. از کسانی که در مصر و جهان عرب در این جریان نامبردار شده اند، می توان از محمد توفیق صدقی، محمد رشاد خلیفه، احمد صبحی منصور، عبدالجواد یاسین، اسماعیل منصور و ابن قرناس نام برد. همچنین، محمد ارحام سوترنو، قاسم احمد و تیجوه آسیا از کشور مالزی و ادیب یوکسل از ترکیه به نگرش قرآنی شهرت یافته اند. برخی دیگر، مانند محمد عبده، محمد رشیدرضا، محمود ابوریه و اسماعیل کردی نیز جزو این جریان قرار گرفته اند.^۶ هرچند، محققان اخیر به نفی کامل سنت پیامبر ﷺ در معرفت دینی اعتقاد ندارند و فقط نقدهای جدی بر سنت موجود دارند و نام آن ها را باید در زمره عقل گرایان ذکر نمود.

از جمله قرآن گرایان، می توان از محمد رشاد خلیفه نام برد که در مقدمه کتابش قرآن، حدیث و اسلام، حدیث و سنت را بدعت هایی شیطانی و بدون هیچ ارتباطی با پیامبر دانسته است. او برای اثبات مدعای خویش به آیات قرآن، کتاب مقدس و حتی احادیث نبوی استناد می کند. استناد او به احادیث نیز در اثبات این نظر است که پیامبر ﷺ دستور داد سخنان او را از بین ببرند و به قرآن بسنده کنند.^۷ به باور او، قرآن در درستی و عدالت، کامل است و همه جزئیات را در بر می گیرد و در مقابل، حدیث و سنت مبتنی بر حدس و گمان است. بنابراین، قرآن تنها منبع تشریح و تنها حدیثی است که مسلمانان باید از آن تبعیت کنند.^۸

احمد صبحی منصور نیز از جمله نواندیشان معاصر است که ندای بازگشت به قرآن را دوباره به شکلی جدی مطرح کرده است. او معتقد است که بسیاری از احکام فقهی، از جمله حکم قتل مرتد و مجازات سنگسار ریشه قرآنی نداشته و توسط راویان حدیث در عصر عباسی ساخته و پرداخته شده اند. در واقع، دوران عباسی تاریخ انعقاد تفکر اسلامی و تشکیل مدارس کلامی و فقهی و حدیثی بوده که زیر سایه ای از تقدس و ابهام به عنوان زمانه سلف صالح از کندوکاوهای نقادانه تاریخی به دور مانده است. وی در کتاب *القرآن و کفنی مصدرراً*

۶. برای توضیح بیشتر، رک: القرآن یون و شبهاتهم حول السنة، ص ۳۲-۲۵، ۳۹-۳۳، ۴۵-۴۰؛ قرآن بسندگی و انکار حجیت حدیث.

7 Quran, Hadith, and Islam, p.18-20.

8. *ibid.*, p.8-11, 28-29.

للتشریح الاسلامی به بحث از نفی حجیت حدیث و کفایت قرآن به عنوان تنها منبع دین اسلام می پردازد.^۹

۱-۳-۲. عقل گراها

بسیاری از علما و مؤلفان معاصر در شمار باورمندان به رویکرد عقلی قرار گرفته اند، که از جمله آن ها می توان به این عده اشاره کرد: جمال الدین افغانی، محمد عبده، محمد رشیدرضا، محمود شلتوت، محمد فرید وجدی، محمد ابوزهره، محمد عبدالله دراز، محمود ابوریه، حسن عبدالله ترابی، محمد اقبال، محمد غزالی، جمال البنا و... جریان عقل گرا بیشتر می کوشند تا دین اسلام را با واقعیات دنیای معاصر هماهنگ کنند و تشابه بسیاری بین افکار آن ها و معتزله قدیم وجود دارد، هرچند عنوان «نومعتزلی» بیشتر برای رویکرد «نوگرا» به کار رفته است. اغلب این افراد به ظنی بودن اخبار آحاد و جایز نبودن اعتماد به آن در اثبات عقاید دینی اعتقاد دارند و از این رو احادیث فراوانی را بعید دانسته یا تأویل کرده اند.

از دیدگاه عقل گرایان، گرچه در حجیت روایات متواتر اختلافی نیست، اما تعداد این قبیل روایات بسیار اندک است؛ و از سوی دیگر حدیث در طی چند نسل و به طریق شفاهی به ما رسیده و دچار نقص و زیادت و تغییرات شده است و نهایتاً صدور آن ظنی است و خداوند از پیروی از ظن نهی فرموده است. استدلالات مربوط به اثبات حجیت خبر واحد نیز، بیشتر مربوط به احکام فرعی است و اعتبار این اخبار در معارف اعتقادی، تفسیر قرآن و... پذیرفته نیست، زیرا معنی حجیتی که با دلیل برای خبر واحد ثقه اثبات شده است، همان عمل کردن به خبر در صورت جهل به واقع است. به عبارت دیگر، شریعت اسلامی بر اساس ادله حجیت خبر واحد، خبر واحد ظنی را در عمل جانشین علم و قطع به واقع کرده است و این جانشینی فقط در محدوده امور تعبدی شرعی، از قبیل احکام یا موضوعات عملی، معتبر است. حال جای این سؤال است که آیا می توان بنای اعتقادی دین را بر پایه خبر واحد، که بنا بر اتفاق بسیاری از اصولیان، جز ظن پدید نمی آورد پی ریخت؟^{۱۰}

محمد عبده و شاگردش، محمد رشیدرضا، از مهم ترین عقل گراهای معاصر به شمار می روند. محمد عبده را به سبب تأکید بسیار بر قرآن، سردمدار اصلی مدرسه «بازگشت به قرآن» می دانند. رشیدرضا در مواضع خود نسبت به حدیث و سنت، موضعی میانه داشت؛ از

۹. القرآن و کفی مصدرراً للتشریح الاسلامی، ص ۱۱-۳۸.

۱۰. رک: نحو تفهیل قواعد نقد متن الحدیث، ص ۳۱.

یک سو موافق انکار یکسره سنت نبوی نبود و از دیگر سو برای خود این حق را قایل بود که احادیث را بر مبنای اجتهاد خویش به بونه نقد بسپارد. بنا بر یک تحقیق، احادیثی از صحیحین که رشیدرضا نقد کرده، درده محور قرار دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به احادیث اسراء و معراج، احادیث خروج دجال، احادیث انشقاق ماه، حدیث سحر شدن پیامبر ﷺ و احادیث نزول عیسی علیه السلام در آخر الزمان اشاره کرد. اغلب این احادیث در مورد اشراط الساعة است، زیرا رشیدرضا احادیث مربوط به این موضوع را دارای اختلافات دانسته و آن‌ها را با حکمت الهی در مخفی کردن و آگاه نکردن مردم از زمان آن منافی تلقی می‌کرد، چنان‌که در جایی نوشته است: مهم‌ترین اشکال در اشراط الساعة به خصوص احادیث مهدی و دجال است، زیرا تعارض و تناقض بین آن‌ها بسیار است.^{۱۱}

محمود شلتوت، فقیه و مفسر تقریب‌گرای مصری، معتقد بود که خبر واحد افاده یقین نمی‌کند.^{۱۲} تعریف او از سنت، دایره آن را بسیار محدود می‌کند: «الطريقة العلمية المطردة التي نُقلت عن الرسول نقلاً متواتراً عملياً معروفاً عند الكافة».^{۱۳} شلتوت معتقد است که عقیده با حدیث ثابت نمی‌شود، زیرا عقیده نیازمند ایمان به آن است و ایمان به معنای یقین قطعی است. احادیث موجود متواتر نیستند و چیزی بیشتر از ظن ایجاد نمی‌کنند و ظن ثابت‌کننده عقیده نیست.^{۱۴}

محمود ابوریه، از نواندیشان مسلمان مصری، عمده نظرات خود را در دو کتاب *اضواء علی السنة النبویة أودفاع عن الحدیث* و *ابوهریرة شیخ المضیرة* منتشر کرده است. وی نظراتی نودر این دو اثر ارائه کرد که بازتاب‌های بسیاری داشت. ابوریه، سنت را به سیره عملی و افعال پیامبر اکرم ﷺ منحصر دانسته و اقوال و تقریرات آن حضرت را از تعریف سنت بیرون تلقی می‌کند. وی می‌نویسد: «ولم تكن السنة يومئذ تُعرف الا بالسنة العملية».^{۱۵}

محمد غزالی، از فقیهان مسلمان و مبلغان نواندیش مصری، معتقد است که سنت روایی مسلمانان دچار مشکلاتی شده که احتیاط در برخورد با آن را لازم می‌آورد و همه آنچه به رسول خدا ﷺ منسوب است، سنت مقبول نیست؛ گذشته از آن که هر سنت صحیحی، لزوماً

۱۱. رک: آراء محمد رشیدرضا فی قضایا السنة ...، ص ۴۱۴-۴۱۷؛ نهج الاعتزال فی الاتجاهات الفکرية المعاصرة، ص ۱۶۶.

۱۲. الاسلام عقیده و شریعة، ص ۵۹-۶۰.

۱۳. همان، ص ۴۹۱.

۱۴. همان، ص ۵۰۴.

۱۵. أضواء علی السنة النبویة، ص ۴۰۴.

درست فهمیده نشده یا در جایگاه خود قرار نگرفته است.^{۱۶} مشهورترین کتاب وی در سنت پیامبر ﷺ، کتاب *السنة النبوية بين أهل الفقه وأهل الحديث* است که مخالفان بسیاری برای او پدید آورد. غزالی نیز خبر واحد را یقین آور نمی‌داند.^{۱۷} بنابراین از نظری، عقاید اسلامی بر متواترات نقلی و ثوابت عقلی تکیه دارد، و هیچ عقیده‌ای با خبر واحد ثابت نمی‌شود.^{۱۸}

جمال البنا، برادر حسن البنا مؤسس حزب اخوان المسلمین، از نواندیشان معاصر مصری است که در تشریح دینی تأکید زیادی بر قرآن دارد. از نظر جمال البنا، اصل در تدوین حدیث عدم کتابت آن بوده و اذن به کتابت استثناست. در واقع، پیامبر نمی‌خواست حدیث ایشان همچون قرآن صفت جاودانگی به خود بگیرد.^{۱۹} جمال البنا در آغاز کتاب *تجريد البخاري ومسلم من الاحاديث التي لا تلزم* بیان می‌کند که سنت از دیدگاه وی، به معنای اعمال پیامبر ﷺ است نه اقوال آن حضرت.^{۲۰}

از دیدگاه ابراهیم فوزی نیز سنت به اعمال محدود می‌شود و عقاید را در بر نمی‌گیرد.^{۲۱} وی با تفکیک میان عبادات و معاملات، دومی را از محدوده سنت نبوی و دین اسلام خارج می‌داند. از دیدگاه فوزی، باید بین عبادات که مربوط به ارتباط انسان با خالق اوست، و بین معاملات یعنی آنچه مربوط به روابط اجتماعی میان انسان‌هاست از قبیل خرید و فروش و ازدواج و طلاق و ارث و مجازات و مانند آن، تمییز قایل شویم. عبادات از تشریحات دین و ثابت است و با تغییر مکان و زمان و مصالح مردم تغییری نمی‌کند، اما معاملات در دایره دین نیست و به مصالح و نیازهای اجتماعی مردم بستگی دارد و با گذر زمان قابل تغییر است.^{۲۲}

۱-۳-۳. متصوفه

یکی از رویکردهای معاصر حدیثی در میان اهل سنت، رویکرد متمایل به تصوف است. صوفی‌گری - که در میان مسلمانان قدمتی دراز دارد - امروزه نیز در کشورهای مغرب اسلامی و شمال آفریقا از جایگاهی گسترده و وسیع برخوردار است. تبلور این جریان را در تاریخ معاصر

۱۶. *فقه السيرة*، ص ۳۵.

۱۷. *السنة النبوية بين أهل الفقه وأهل الحديث*، ص ۷۴.

۱۸. همان، ص ۸۰.

۱۹. *قضایا قرآنیة*، ص ۶۸-۶۹، ۷۱-۷۴.

۲۰. *تجريد البخاري ومسلم من الاحاديث التي لا تلزم*، ص ۱۳.

۲۱. *تدوين السنة*، ص ۲۹.

۲۲. همان، ص ۱۲-۱۴. اسماعیل کردی، از دیگر مؤلفان عقل‌گرا در دوران معاصر است، که در برخورد با روایات و سنت پیامبر ﷺ راهی میانه در پیش می‌گیرد (رک: *نحوه تفهیم قواعد نقد متن الحدیث*، ص ۱۵-۱۸).

حدیث می‌توان در احمد بن محمد بن صدیق الغماری یافت.^{۲۳} همچنین، به گفته شوقی بشیر، در سودان فرقه‌ای با نام «جمهوریین» به رهبری محمود طه شکل گرفته است که در سال ۱۹۵۲م، بنیاد نهاده شد. اینان نظراتی شبیه به صوفیه دارند. شوقی بشیر در مقاله‌ای در مجله دعوة الحق این فرقه را مخالف اسلام دانسته و نظرات آن‌ها در مورد سنت نبوی را بیان و نقد کرده است. اما آنچه از عقاید منسوب به این فرقه درباره سنت نبوی نقل شده، نشان دهنده دیدگاه‌هایی غالباً معتدل - هرچند گاه نزدیک به تصوف یا نظرات روشنفکرانه - از آن‌هاست، از جمله: ۱. استناد به روایاتی که از نظر علمای اهل سنت، ضعیف یا مجعول و یا اقوال صوفیه است، مانند: «تفکر ساعة خیر من عبادة سنة»؛ «حسنات الابرار سیئات المقربین» و... ۲. تاریخ‌مندی برخی از احادیث، مانند حدیث «لَنْ يُفْلِحَ قَوْمٌ وَلَوْ أَمَرَهُمْ امْرَأَةٌ» است که جمهوریین زمان عمل به آن را پایان یافته دانسته‌اند.^{۲۴}

۲. رویکردهای شیعیان

رویکردهای حدیث پژوهی معاصر در شیعه را می‌توان در سه شاخه نواخباریان، اصولیان و تجدیدنظرطلبان جای داد.

۲-۱. نواخباریان

مشخصه فکری اغلب شاخه‌های اخباریان آن است که نقش «عقل» را تا پیش از رسیدن به «نقل» می‌پذیرند. به عبارت دیگر، معتقدند که عقل وسیله‌ای است برای تشخیص این‌که انسان برای دست یافتن به سعادت نیازمند نقل است و عقل این تشخیص را می‌دهد، چون خودش می‌پذیرد که ناقص بوده و سعادت انسان را تأمین نمی‌کند. بنابراین، انسان به نقل نیازمند است؛ پس از این مرحله، دیگر به عقل نیازی نیست، مگر در ارتباط برقرار کردن بین گزاره‌های نقل برای فهم درست آن‌ها. اما، عقل از این پس، حق «نقد» گزاره‌های دینی منقول را ندارد؛ کار عقل فقط این است که صحت اطمینان بر نقل را تشخیص دهد، نه «صحت نقل» را. بنابراین، در آثار اخباریان نقد سندی یا محتوایی بر منابع حدیثی و روایات دیده نمی‌شود و بدیهی است که آن‌ها با ابزارهای علم الحدیثی نقد حدیث، یعنی رجال و درایة الحدیث، نیز مخالف باشند. چنین تفکراتی در میان گروه‌هایی مانند «مکتب تفکیک»،

۲۳. برای نظرات وی، رک: نگاهی به جریان‌های حدیثی معاصر اهل سنت، ص ۱۲-۱۰.

۲۴. موقف الجمهوریین من السنة النبویة، ص ۳۱-۳۲، ۴۴-۴۷.

«انجمن حجتیه» و «تجددستیزان» دیده می‌شود.

«مکتب تفکیک»، پیروان میرزا محمد مهدی غروی اصفهانی هستند و بر تفکیک آموزه‌های فلسفی از روش‌های دین‌شناسی تأکید دارند. در حال حاضر آیه الله سید جعفر سیدان و محمدرضا حکیمی از افراد برجسته این مکتب هستند. حکیمی، عنوان «مکتب تفکیک» را طی مقاله‌ای در سال ۱۳۷۱ نشر داد؛ سپس در کتاب مکتب تفکیک به معرفی بنیانگذاران این مکتب و نظرات آن‌ها پرداخت. گفته شده که «خرده‌گیری‌های علمای مکتب تفکیک، بیشتر متوجه افکار و اندیشه‌های صدر المتألهین شیرازی و عرفان ابن عربی است».^{۲۵} البته شاید ماجرای اختلاف مکتب تفکیک با فلسفه و عرفان، ریشه‌های عمیق‌تری نیز داشته باشد و ترس آن‌ها در آغاز از فلسفه صدرایی یا عرفان ابن عربی نبوده است؛ بلکه ترس آن‌ها از خردگرایی نوین یا آن چیزی شروع شد که حکیمی «عقل‌ابزاری» می‌نامد و مخالفت با فلسفه بالتبع از مخالفت با خردگرایی جدید است. حکیمی در مقابل «عقلانیت یونانی، ارسطویی، رنسانسی، کانتی» یا «عقل خودبنیاد نقاد»، از اصطلاحاتی مانند «عقلانیت جعفری»، «عقل خودبنیاد دینی» و «عقل نوری» بهره برده و معتقد است که کاربرد این عقل تنها شناخت وحی است و عقل بدون تعالیم معصومین راه به جایی نمی‌برد.^{۲۶}

«انجمن حجتیه» نام گروهی است که نخستین بار در سال ۱۳۳۵ ش توسط محمود ذاکرزاده تولایی معروف به شیخ محمود حلبی، با هدف جلوگیری از ترویج بهائیت تشکیل شد. پیروان این گروه معتقدند هر چه برای هدایت لازم است در کلام معصوم هست و هر چیز فرای آن، گمراهی است. از دید آن‌ها، هر پرچمی که پیش از ظهور امام زمان علیه السلام بلند شود، در ضلالت است و به شکست می‌انجامد. این گروه طرفداران چندانی، خصوصاً در میان عالمان دینی ندارد، اما گویی برخی نظرات «تجددستیزان» با این گروه مشابهت دارد.

تجددستیزان با علم و تکنولوژی نوین ستیز دارند، با عقل میانه خوبی ندارند و از منظری اخباری، دغدغه و حیانی کردن حیات آدمیان را دارند. مرحوم محمود موسوی دهرسخی از فقیهانی است که چنین دغدغه‌هایی داشته و در آثار خود آن را نمایان کرده است. از دید وی، حفظ دین در این روزگار به تعبیر امام صادق علیه السلام همانند کندن خارهای شاخه‌ای از پایین به

۲۵. ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام، ج ۳، ص ۴۴۷.

۲۶. رک: مکتب تفکیک، ص ۱۵۱-۱۶۲، ۱۸۷؛ عقل خودبنیاد دینی، ص ۳۹.

بالا با دست است، وظیفه مؤمنان پلاس شدن در خانه است تا زمان خروج سفیانی ذکر می‌کند، «حتی زمانی که از خانه خارج می‌شویم باید مثل بچه شترکه نه شیر می‌دهد نه سواری رفتار کنیم والا مثل دیگران باید گرگ باشیم».^{۲۷} مهدی نصیری از دیگر تجددستیزان است و نشریه «سمات» را در تبیین این اندیشه منتشر می‌کند. نصیری، پیامبران را معماران تمدن‌ها می‌خواند و معتقد است انسان مستقل از وحی و با اتکا به تجربه و آزمون و کشف شخصی، قادر به سامان دادن معیشت خود نبوده است. اما بشر جدید بدون حجت الهی و از روی خودبنیادی و هواپرستی، دست به بسط و گسترش علوم و فنون طبیعی زد و به همین خاطر هم در نهایت، این پیشرفت علمی و تکنیکی بلای جان وی شده است.^{۲۸} از دیدگاه نصیری، «علم» در روایاتی مانند «اطلبوا العلم ولو بالصین» به معنی علم معهود و مطلوب دین است نه مطلق علم و دانش، و ذکر «الصین» (چین) در روایت بیان‌گر نهایت اهتمام اسلام به علم مطلوب است، نه آن‌که بلاد کفر می‌توانند منشأ و مصدر علم مطلوب باشند.^{۲۹}

۲-۲. اصولیان

اصولیان گروه عمده شیعیان معاصر هستند که ویژگی مشترک آن‌ها، اعتقاد به لزوم اجتهاد در دینداری است و علاوه بر سنت، بر قرآن، عقل و اجماع به عنوان دیگر منابع استنباط احکام شرعی تکیه می‌کنند. دیدگاه اصولی دیدگاه رایج و غالب در بین علما و محققان معاصر شیعه و نیز کتب، مقالات و پایان‌نامه‌های حوزوی و دانشگاهی است. هرچند، تفکیک اصولیان شیعه به صورتی دقیق ممکن نیست، اما با توجه به نظرات اصولیان درباره موضوعات کلی حدیث، می‌توان از سه رویکرد عمده یاد کرد:

۲-۲-۱. رویکرد حدیث‌گرا

معتقدان به این رویکرد، خبر واحد را در تمامی موضوعات دینی حجت می‌دانند و بر این باورند که عمده احادیث در مطالعات دینی پذیرفتنی و قابل اعتماد است. این دانشمندان - با وجود آن‌که با علم رجال و نقدهای محتوایی حدیث مخالف نیستند و حتی گاهی به بحث و تألیف درباره آن‌ها پرداخته‌اند -، اما سخت‌گیری چندانی در نقدهای سندی و محتوایی ندارند. شاید بتوان فقیهان و عالمانی مانند مرحوم آیه الله حسین بروجردی و نیز آیه

۲۷. جریان‌های فکری در حوزه معاصر قم، ص ۱۰۸-۱۰۹.

۲۸. اسلام و تجدد، ص ۴۶-۴۸.

۲۹. همان، ص ۱۲۳.

الله جعفر سبحانی، رضا استادی و محمد محمدی ری شهری را از این طیف برشمرد. از این دیدگاه، معیار پذیرش روایت، اطمینان نوعی به صدور روایت است، از هر راه عقلایی که باشد. آن‌ها این معیار را «وثوق صدوری» می‌خوانند و معتقدند که اعتبار سندی، تنها راه برای ردّ و قبول روایت نیست و تنها به عنوان یکی از راه‌ها، در کنار سایر قرائن قرار می‌گیرد. در نتیجه هماهنگی و ناهماهنگی با قرآن، عقل، رویدادهای تاریخی، سنت قطعی و روایات معتبر، قرائنی است که می‌تواند موجب اطمینان به صدور یا عدم صدور روایت گردد.

۲-۲-۲. رویکرد رجالی

از دیدگاه این عده، در اثبات صدور حدیث، سخت‌گیری‌های سندی و متنی حائز اهمیت است. این عالمان، تألیفات مهمی در جهت نقد احادیث ضعیف و جعل‌زدایی از مواریث روایی پدید آورده‌اند و معتقدند که معارف دینی و احکام فقهی را باید بر پایه اخبار صحیح بنا کرد. به نظر می‌رسد که حدیث‌شناسانی همچون مرحوم آیه الله ابوالقاسم خویی، محمد تقی شوشتری، محمد باقر بهبودی و محمد آصف محسنی جزو دانشمندانی هستند که رویکردی رجالی و انتقادی‌تر به حدیث دارند. باورمندان به این نظریه، «وثوق سندی» را نخستین معیار در اعتبار روایت می‌دانند، یعنی تا وقتی که وثاقت روایتی از نظر سند اثبات نشده، نمی‌توان به سراغ معیارهای متن‌محور مانند هماهنگی مضمون روایت با قرآن، عقل و یا سنت قطعی رفت. یکی از استدلال‌ات استوار این دیدگاه در ردّ معتقدان به مبنای وثوق صدوری خبر، آن است که این مبنا معیار مشخصی ندارد و از این رو قابل کنترل نیست. در واقع، برخلاف مبنای خبرثقه که بسیار مشخص و روشن است - یعنی هر راوی که وثاقت او ثابت شود خبرش حجیت می‌یابد - در مبنای خبر موثوق به، حصول وثوق در نوسان قرار می‌گیرد، چرا که قرائن در نوسان است. این نظریه، در دوران معاصر، تحت تأثیر نظریات مرحوم ابوالقاسم خویی، رشد فزاینده‌ای داشته است.^{۳۰}

۲-۲-۳. رویکرد عقل‌گرا

در این رویکرد، دایره اعتبار حدیث یا حجیت خبر واحد به موضوعات فقهی محدود است و عقاید، اخلاق و... را شامل نمی‌شود. چنین می‌نماید که دانشمندانی همچون مرحوم ابوالحسن شعرانی، علامه محمد حسین طباطبایی و هاشم معروف حسنی در این شاخه قرار

۳۰. برای توضیح بیشتر، رک: «دفاع از روایات بحار الأنوار»؛ «دفاع از روایت مهدویت»؛ «مشرعة بحار الأنوار».

می‌گیرند. شعرانی، خبر واحد را در عقاید و حتی قصص و تفسیر قرآن حجت نمی‌داند و می‌نویسد: در اصول دین و قصص و تفسیر قرآن به حدیث استناد نمی‌شود، و در مواعظ و آداب و ادعیه نیازی به سند نیست.^{۳۱} وی بر این باور است که از هر هزار حدیث شیعه، بیش از ۵۰ عدد آن قطعاً مجعول است.^{۳۲} اما وی تأکید دارد که تا وقتی بطلان حدیثی ثابت نشده، نباید به محور رد آن اقدام کنیم، بلکه هر حدیث محتمل الصدقی باید حفظ شود، گرچه حجت نباشد.^{۳۳}

طباطبایی در چندین موضع از آثار خود، مخالفت خود را با حجیت خبر واحد در تفسیر و مسائل اعتقادی بیان کرده است. ایشان معتقد است که هیچ دلیلی بر حجیت اخبار آحاد در معارف دینی، بجز در احکام فرعی وجود ندارد، نه از طریق سیره عقلانه از طریق شرع.^{۳۴} طباطبایی این دیدگاه را در بسیاری از مجلدات تفسیر المیزان تبیین کرده است. وی می‌نویسد: «ما براخبار آحاد جز در احکام فرعی تکیه نمی‌کنیم؛ این معیاری عقلایی است که انسان زندگی‌اش را بر آن بنا نهاده است».^{۳۵} طباطبایی از یکسو، همچون عقل‌گرایان متقدم یعنی شیخ مفید و سید مرتضی، بر اهمیت قرائن تأکید می‌کند و این‌که روایات واحد برای ما حجیتی ندارد، مگر آن‌که با قرائن علم‌آورد تأیید شود. و از سوی دیگر، به نظرات اصولیان معاصر توجه می‌کند و توضیح می‌دهد که منظور از قرائن علم‌آور، آن چیزی است که موجب «وثوق تام شخصی» باشد، چه در اصول دین و چه در تاریخ و فضائل و مانند آن، اما در فقه چنین نیست، زیرا در فقه «وثوق نوعی» در حجیت خبر کفایت می‌کند.^{۳۶}

هاشم معروف حسنی، از نقادان حدیث فریقین در دوران معاصر است؛ وی را با محمد جواد مغنیه مقایسه کرده‌اند، که هر دو در نقد اوضاع فکری رایج در زمان خود بی‌پروا و صریح بودند.^{۳۷} مهم‌ترین دغدغه هاشم معروف، تقریب مذاهب اسلامی است و در این جهت به نقد روایاتی در مورد کرامات و مناقب و مثالب می‌پردازد که حساسیت زیادی بین مسلمانان ایجاد کرده است. وی برخلاف پیروان مرحوم خوئی که نقد سندی را بر نقد متن

۳۱. المدخل الی عذب المنهل، ص ۵۱-۵۰.

۳۲. همان، ص ۲۷.

۳۳. همان، ص ۵۰.

۳۴. رک: بحار الانوار، ج ۶، ص ۳۳۷، پاورقی ۲.

۳۵. المیزان، ج ۶، ص ۵۷.

۳۶. همان، ج ۸، ص ۱۴۱.

۳۷. نظریة السنة فی الفکر الامامی الشیعی، ص ۵۴۹.

حدیث مقدم می‌کنند و سپس وارد نقد متن می‌شوند، نقد متن را مقدم می‌داند. هاشم معروف در نقد احادیث، بر عقل، قرآن و تاریخ تکیه می‌کند و برخی از روایات را افسانه و داستان می‌خواند.^{۳۸}

۲-۳. تجدیدنظرطلبان

تقسیم‌بندی جریان‌ها و رویکردهای انتقادی در میان شیعیان آسان نیست؛ همواره موانعی بر سر راه مؤلفان در این زمینه وجود داشته و دارد. در ایران، آغاز چنین فعالیت‌هایی با دوره حکومت رضا خان ارتباط دارد که همزمان با اوج‌گیری گرایش به غرب و ایجاد حرکتی در ضدیت با خرافات است. در این پژوهش، محققان تجدیدنظرطلب معاصر شیعه در چهار رویکرد طبقه‌بندی شده‌اند.^{۳۹}

۲-۳-۱. رویکرد «بازگشت به قرآن»

این گروه از محققان شیعه، هرچند مانند قرآنیون اهل سنت به انکار همه احادیث اعتقاد ندارند، اما با تکیه بر قرآن، به نقد عقاید شیعه پرداخته و گاه تا نقد مهم‌ترین عقاید پیش رفته‌اند و از این رو برخی از نظرات آن‌ها کاملاً با دیدگاه‌های اهل سنت و حتی وهابیت قابل تطبیق است. در اینجا نیز «بازگشت به قرآن» بهترین ابزار برای رسیدن به وحدت اسلامی تلقی می‌شود و از این رو، مؤلفان این جریان بر نقد آن دسته از عقاید شیعه متمرکز می‌شوند که از دید آن‌ها با وحدت اسلامی در تناقض می‌افتد. بنابراین، بخش عمده‌ای از روایات مرتبط با عقاید زیربنایی شیعه مانند امامت، شفاعت، توسل، رجعت و شعائری مانند عزاداری، زیارت و ساخت حرم و گنبد و مانند آن به شدت مورد انتقاد قرار می‌گیرد. چنان‌که آشکار است، چیزی از فروع دین در این میان مورد نقد این جریان نیست و در واقع، قرآنیون شیعه معتقدند که در فروع و احکام به سنت نیازمندیم. افرادی چون شریعت سنگلجی، عبدالوهاب فرید، حیدرعلی قلمداران و ابوالفضل برقی در این گروه جای دارند.

برای نمونه، سید ابوالفضل برقی، تحت عنوان قرآن‌گرایی، به طور جدی به انتقاد از منابع حدیثی شیعه می‌پرداخت. برقی با اغلب عقاید شیعه مخالفت کرده و به وهابیت نزدیک شده، به طوری که کتاب التوحید محمد بن عبدالوهاب و مختصر منهاج السنه ابن تیمیه را

۳۸. رک: الموضوعات فی الآثار والأخبار، ص ۲۲۱-۱۷۷.

۳۹. برای تقسیمات دیگر، رک: جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران، ص ۳۶۰-۳۷۰؛ شیعه‌شناسی انتقادی در ایران معاصر؛ نظریه السنه فی الفكر الامامی الشیعی، ص ۵۳۰-۶۶۰.

به فارسی ترجمه کرده است. وی در اواخر عمر، کتابی با عنوان *عرض اخبار اصول بر قرآن و عقول*، در رد بر احادیث کتاب کافی نگاشت، که با نام *کسر الصنم* به عربی ترجمه و در کشور اردن منتشر شده است. وی در این کتاب، تقریباً هیچ حدیثی از *اصول کافی* را بدون طعنی در متن یا سند آن باقی نمی‌گذارد، چنان‌که اغلب راویان را به ضعف در دین و مذهب یا تشکیک در صدق و عدالت متهم می‌کند.^{۴۰}

۲-۳-۲. رویکرد نقادانه با تکیه بر قرآن و اصول فقه

این گروه تا آن حد پیش رفتند که عقاید بنیادین شیعه را انکار کنند، اما با معیار قرار دادن قرآن و اصول فقه، رویکردی نقادانه به فروع فقهی و یا عقاید غیر اساسی شیعه در پیش گرفتند. به هر حال، معیار قرار دادن قرآن، نتایجی بسیار متفاوت به دست می‌دهد، چنان‌که قرآنیون اهل سنت نیز به نتایجی متفاوت با عموم مسلمانان رسیدند. از جمله مرحوم محمد جواد موسوی غروی اصفهانی، با توجه به اصول فقه به نقد سنت محکیه می‌پرداخت. وی از جوانی در اندیشه پالایش تشیع بوده و با اسرائیلیات و اخبار غالیان و منحرفان به شدت مخالف بوده است. وی تأکید دارد که می‌خواسته دین اسلام و مذهب تشیع را «از آلائش بدعت و اشتباه و خلل و خطا پیراسته و پاک» گرداند. گفتنی است که وی همانند استادش مرحوم حاج آقا رحیم ارباب، به وجوب عینی نماز جمعه اعتقاد داشت و آن را اقامه می‌کرد.^{۴۱} غروی اصفهانی، با وجود این‌که به پالایش منابع حدیث دعوت می‌کرد، اما عملاً تلاش خود را بر ابطال علل پدیدآورنده حجیت منابع حدیثی به کار گرفت؛ یعنی به جای آن‌که به شکل میدانی به نقد احادیث بپردازد، به نقد سنت محکیه با توجه به ظنی بودن آن در علم اصول همت گمارد و کوشید دلایل حجیت سنت موجود را یک به یک ابطال نماید.^{۴۲}

نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی، روحانی و فقیه مشهور با کتاب *شهید جاوید*، از دیگر مؤلفان در این زمینه است. وی معتقد بود که علمای اهل اجتهاد اتفاق دارند با خبر واحد نمی‌توان عقیده‌ای را ثابت کرد، هر چند سند آن صحیح باشد، زیرا خبر واحد صحیح هم یقین‌آور نیست و این قولی است که جملگی بر آنند.^{۴۳}

۴۰. کسر الصنم، ص ۱۹.

۴۱. جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی. سیاسی ایران، ص ۳۶۴.

۴۲. نظریه السنة فی الفکر الامامی الشیعی، ص ۵۹۸-۵۹۷.

۴۳. برای نمونه‌ای از نقدهای وی بر احادیث، رک: قضاوت زن در فقه اسلامی، ص ۲۵۸-۲۶۰، ۲۷۷-۲۷۸، ۲۸۳-۲۹۱.

از دیدگاه محمد صادقی تهرانی، از فقیهان و مفسران نوگرای شیعه نیز، در تشریحات دینی فقط قرآن و سنت قطعی اعتبار دارند، قرآن محک و محو اصلی است و سنت قطعی آن است که «حضرات معصومان علیهم‌السلام آن را به گونه‌ای مکرر توسط راویان زیاد بیان کنند».^{۴۴} وی بر این باور است که برداشت درست از قرآن، تنها از راه تفسیر قرآن به قرآن صحیح است و از نظر ظاهری تنها مرهون دانستن شایسته لغت و قواعد عربی است، که آن هم باید بر مبنای لغت و ادبیات قرآن پایه‌گذاری شود و سپس در نظر گرفتن تمامی آیاتی که در زمینه آیه مورد نظر در سراسر قرآن وجود دارد، بدون هیچ‌گونه تحمیل لغوی، ادبی، فلسفی، فقهی، اصولی و سایر علوم بشری.^{۴۵} صادقی تهرانی معتقد است که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه علیهم‌السلام روش تفسیر قرآن به قرآن را پیموده‌اند و مفسران نیز باید این شیوه را از آموزگاران معصوم بیاموزند. وی در برخی از ویژگی‌های قرآنیون شیعه با آنان نقطه مشترک دارد، مانند وجوب نماز جمعه، تفسیر متفاوت از خمس، قرآن‌گرایی و...^{۴۶}

۲-۳-۳. رویکرد تاریخی به حدیث

هرچند، توجه به روش‌های علمی و تحقیقی امروزی از جمله تاریخی‌نگری، زبان‌شناسی و هرمنوتیک در حدیث پژوهی، هنوز در بین شیعیان، بسیار اندک است؛ اما به هر حال این کار آغاز شده و گام‌هایی در این مسیر برداشته‌اند. گروهی از محققان ایرانی پیش از انقلاب، از جمله احمد کسروی، گاه در نقد روایات به تحلیل تاریخی علل و عوامل آن توجه داشته‌اند.^{۴۷} البته باید توجه داشت که روش تحلیل تاریخی در آن زمان هنوز در ایران رایج نبوده و از این رو، غالباً روش کسروی در نقد تشیع، فارغ از به کار گرفتن شیوه‌ای خاص از روش‌های تحلیل تاریخی است. علی‌اکبر حکمی‌زاده، روش کسروی را در توجه به تاریخ و سرزدایی از عقاید ادامه داد.^{۴۸}

۴۴. فقه‌گویا، ص ۱۵.

۴۵. همان، ص ۱۲، ۲۶-۲۵.

۴۶. رک: الفرقان، ج ۱، ص ۱۸-۱۹؛ جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی. سیاسی ایران، ص ۳۶۸.

۴۷. وی در کتاب شیعی‌گری - که آن را بیشتر همچون یک مورخ سنتی به تألیف کشیده - به تاریخ تشیع می‌پردازد. کسروی سعی می‌کند احکام دینی را با شرایط و زندگی امروزی تطبیق دهد؛ برای نمونه، زکات را به جای مالیات و در واقع خرج کشورداری می‌داند (شیعی‌گری، ص ۷۹-۷۸).

۴۸. او در کتاب اسرار هزار ساله، بر روحانیونی که عقاید رایج در میان شیعه را اسرار و رازهای پنهان می‌خوانند، اعتراض می‌کند (اسرار هزار ساله، ص ۱۱). حکمی‌زاده با این دیدگاه که می‌گوید «هر دولتی پیش از قیام قائم برپا شود باطل است»، به شدت مخالفت دارد و حکومت (با تأکید بر حکومت دینی) را لازمه زندگی بشر می‌داند (همان، ص ۲۳،

در دوران پس از انقلاب، حسین مدرسی طباطبایی در کتاب مکتب در فرایند تکامل، روش نقد تاریخی را بر روایات شیعه اجرا کرده و مفهوم امامت و سیر تاریخی تکامل آن را بررسی نموده است. این کتاب که در اصل به زبان انگلیسی و در فضای غرب و به شیوه رایج در تحقیقات معاصر غربی تألیف شده، کتابی مهم و اثرگذار - به خصوص پس از ترجمه شدن به زبان فارسی - بوده و نظرات موافق و مخالف زیادی درباره آن ارائه شده است. فرضیه اصلی مدرسی طباطبایی در این کتاب، «تطور یا تکامل اندیشه‌های دینی در گذر تاریخ» است^{۴۹} و سعی مدرسی بر آن است که تطورات فکری عقاید شیعه را با توجه به کتب مختلف حدیثی، تاریخی، فرقه‌شناسی و... دنبال کند. بنابراین، این کتاب سؤالاتی از این قبیل مطرح می‌کند: آیا شیعیان از آغاز به دوازده امام معتقد بوده‌اند؟ آیا شیعیان ائمه بعدی را به نام و مشخص می‌شناخته‌اند؟ آیا مثلاً در عصر امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام، شیعیان از غیبت امام دوازدهم خبر داشته‌اند؟ عمده اشکالات مخالفان از زاویه روشی است که مؤلف در پیش گرفته و طبیعتاً به نتایج متفاوتی دست یافته است: «ایشان نگاه رجالی و دراپه‌ای در مواجهه با حدیث ندارد، بلکه فقط از دیدگاه تاریخی در آن‌ها تأمل می‌کند و البته، به مناسبت، از مطالعات رجالی و نسخه‌شناسی و حتی تحلیل‌های فقه‌الحدیثی نیز بهره می‌برد. مهم این است که کار ایشان متفاوت از سایر کتاب‌هایی است که درباره تاریخ تشیع و اعتقادات آن نوشته شده است.»^{۵۰}

برخی نظرات محسن کدیور را نیز، به خصوص گسترش نظریه مدرسی در باب «علمای ابرار» بودن ائمه علیهم السلام و رویکرد بشری به آن‌ها در قرون اولیه اسلامی، ذیل همین رویکرد می‌توان مطرح کرد. وی این نظریه را در مقاله‌ای با نام «قرائت فراموش شده» مطرح کرده و سعی بر گردآوری شواهدی دارد تا نشان دهد شیعیان در قرون سوم تا پنجم امامان را واجد اوصافی چون عصمت، علم لدنی و نصب و نص الهی نمی‌دانستند و این اوصاف را اهل غلوه به امامان نسبت داده‌اند. وی معتقد است که از اواخر قرن چهارم به بعد، همان دیدگاه فرابشری نسبت به ائمه علیهم السلام که در کوفه ریشه داشت و علمای قم با آن مخالفت کرده بودند، در بغداد بازسازی عقلی شد و به اندیشه اصلی تشیع بدل گشت. از دید کدیور، علمایی همچون ابن غضائری، ابن جنید و مشایخ قم شاخص‌ترین معتقدان به نظریه علمای ابرار یا امامان

۲۸-۲۷، ۳۵.

۴۹. ر.ک: مکتب در فرایند تکامل، ص ۱۴-۱۳.

۵۰. نقد و بررسی کتاب مکتب در فرایند تکامل، ص ۱۷۲.

غیرمعصوم بوده‌اند. این نظر در ایران به شدت مورد انتقاد قرار گرفته و نقدهایی بر آن نوشته شده است.^{۵۱}

۳. رویکردهای نوگرا

نگاه رویکردهای نوگرا یا روشنفکران دینی به تفکرات دینی و اسلامی تا حدودی متأثر از نظرات غربی است. معتقدان به این رویکرد تفکرات خود را به اندیشه‌های عقل‌گراها مستند می‌کنند؛^{۵۲} ضمن پذیرش نظرات آن‌ها، گاه متون دینی را با نگاه‌های سکولار، مارکسیستی، چپ‌گرا و... نقد و تفسیر می‌کنند. این عده معتقدند که در بررسی ادیان الهی لازم است بین «اسلوب» و «معنا» تفاوت بنهیم. در واقع، ادیان الهی در جوهر و معنا یکی هستند و نمی‌توان آن‌ها را بر یکدیگر برتری داد؛ اختلاف فقط در اسلوب یا لباسی است که بر تن دین پوشانده شده است. نوگرایان در تحلیل متون دینی، بیشتر به نقدهای «ادبی»، «تاریخی»، «هرمنوتیکی» و مانند آن می‌پردازند. کسانی چون احمد امین، امین الخوللی، محمد احمد خلف‌الله، حسن حنفی، نصر حامد ابوزید، حسین احمد امین، محمد عابد جابری، محمد ارکون و محمد شحرور در محافل دینی و مباحث قرآنی بیشتر به این رویکرد شهرت یافته‌اند و از بین این عده، برخی خاصه به سنت و حدیث نیز توجه کرده‌اند. در کشور ایران، کسانی همچون عبدالکریم سروش و محمد مجتهد شبستری به چنین رویکردی منتسب هستند. محمد ارکون، از اسلام‌شناسان روشنفکر و نامدار الجزایری، به نظرات کسانی همچون عبده ورشیدرضا انتقاد داشت. وی معتقد بود که این عده دیدگاه خود را از این تیمیه گرفته‌اند.^{۵۳} راه حل ارکون برای مسأله گفتگوی ادیان و نیز مذاهب اسلامی، توجه به زبان‌شناسی، تاریخی‌نگری، هرمنوتیک و دیگر روش‌های تفکر و تحقیق در دوران معاصر است.^{۵۴}

حسن حنفی، از اندیشمندان اصلاح‌طلب و چپ‌گرای معاصر مصری، بیشتر از دیگر

۵۱. برای نمونه، رک: «کژخوانی تاریخ تشیع».

۵۲. البته باید توجه داشت که عقلی که روشنفکران دینی از آن سخن می‌گویند، عقلی است متصرف، خودبنیاد و نقاد. در این معنا، عقل تقدس‌زداست؛ یعنی هیچ پدیده یا اعتقادی را برتر از پرسش و نقد نمی‌نشانند و مهم‌ترین نقش عقل تصرف و تغییر است و چه بسا بتواند اغلاط کتاب هستی را تصحیح و کاستی‌های آن را مرتفع کند (رک: درباره روشنفکری دینی، ص ۱۳-۱۲).

۵۳. الفکر الاسلامی: نقد و اجتهاد، ص ۸.

۵۴. القرآن، ص ۲۳.

نوگرایان به حدیث و علوم آن پرداخته است. وی همچون بسیاری از دیگر نواندیشان معاصر، نگاهی تاریخی به متون دینی دارد و مجادلات دینی را جدال تاریخی می‌داند.^{۵۵} حنفی در برخی از آثار خود به نقد ادبی روایات صحیح بخاری بر پایه علوم انسانی و اجتماعی معاصر می‌پردازد. وی معتقد است که صحیح بخاری، با وجود این که نزد اهل سنت بهترین و صحیح‌ترین کتاب پس از کتاب خداست، اما در واقع بیشترین اسرائیلیات و خرافات و مطالب عوامانه در این کتاب به خصوص در کتاب بدء الخلق و کتاب التوحید آن نقل شده است.^{۵۶} صحیح البخاری انبوهی از احادیث بلند و حکایات افسانه‌ای را در خود جای داده که خیال انسان را به پرواز درمی‌آورد.^{۵۷}

۴. حدیث پژوهان غربی

عموم دانشمندان مسلمان «حدیث» را ابزار کشف «سنت» پیامبر ﷺ و اولیای دینی خود می‌دانند و سنت را پس از قرآن، دومین منبع دین و شریعت خود تلقی می‌کنند و تکالیف شرعی خود را در حدیث و سنت می‌جویند. اما محققان غربی، حدیث را به مثابه منبعی تاریخی برای کشف «آنچه رخ داده است»، می‌انگارند و به جنبه تاریخی حدیث توجه دارند و آن را منبعی برای بازسازی تاریخ اسلام به شمار می‌آورند: تاریخ وقایع، تاریخ فقه، تاریخ تفسیر قرآن، تاریخ عقاید و باورهای اسلامی و... برای محققان غربی «اعتبار تاریخی» حدیث مهم است و مسأله آن‌ها این است که آیا احادیث «آنچه را واقعاً رخ داده است» گزارش می‌کنند؟ محققان معاصر غربی در پاسخ به این سؤال دورویکرد متفاوت دارند: رویکرد «شکاک» یا «تجدید نظر طلب» و رویکرد «سنت‌گرا» یا «خوش‌بین».

۴-۱. شکاکان و تجدید نظر طلبان

کسانی مانند گلدتسیهر و شاخ را باید آغازگر شکاکیت در احادیث اسلامی دانست. شکاکیت تاریخی در قرن هجدهم به این نتیجه رسیده بود که هیچ متنی از واقعیت‌های تاریخی حکایت نمی‌کند و تمام گزارش‌ها ساخته و پرداخته راویان آن‌هاست. دانشمندان در قرن نوزدهم سعی کردند تحقیقات علمی را روشمند کنند و این روش‌ها به حوزه تاریخ و دین نیز وارد شد. ایگناتس گلدتسیهر، خاورشناس مشهور معجاری، در کتاب *مطالعات اسلامی*،

۵۵. الیمین والیسار فی الفکر الدینی، ص ۲۹-۳۰.

۵۶. من النقل الی العقل، ص ۴۳۴.

۵۷. همان، ص ۲۱، ۲۵.

این فرضیه را دنبال می‌کند که غالب مطالب موجود در جوامع رسمی حدیثی، محصول تطورات دینی، تاریخی و اجتماعی اسلام در دو قرن نخست بوده و بازتابی از تلاش‌هایی است که در جامعه اسلامی در طول مراحل بعدی تطور و تکامل صورت پذیرفته است. وی بر این اساس، ارزش تاریخی بخش عمده‌ای از روایات منسوب به پیامبر صلی الله علیه و آله و نیز بیشتر گزارش‌ها درباره صحابه را برای دوره‌ای که وانمود می‌کنند از آن خبر می‌دهند، منکر می‌شود؛ بدین معنا که از این روایات تنها می‌توان به عنوان منبع تاریخی برای دوره‌های متأخرتری که در آن پدید آمده‌اند، استفاده کرد. گلدتسیهر این دوره را زمان امویان و قرن نخست خلافت عباسیان تعیین می‌کند.⁵⁸

یوزف شاخت در کتاب *ریشه‌های فقه اسلامی*، پژوهش‌های گلدتسیهر را بازتابی و بازتفسیر کرد. شاخت در نقد احادیث به اسناد توجه زیادی دارد و مدعی است که اسانید در دوره‌های بعدی به متون افزوده شده است و این امر را در نقد تاریخی روایات بسیار مؤثر می‌داند. عموماً روایات مرجوع به نسل تابعان، کهن‌ترین گام در فرایند تکامل فقه در قرن دوم را نشان می‌دهند؛ متون صحابه یک نسل جدیدترند؛ و روایات نبوی جوان‌ترین عنصر در این چرخه هستند.⁵⁹ در واقع، شاخت معتقد است که اقوال صحابه و دیگر راویان متکامل شد تا به عنوان روایات نبوی تلقی گردد و اسناد حدیث تمایلی به «رشد وارونه» نشان می‌دهد تا زمینه ادعای وثاقت بهتر فراهم شود. از دیدگاه شاخت، بخش بزرگی از روایات مجموعه‌های رسمی و دیگر جوامع حدیثی، تنها پس از عصر شافعی رایج شدند؛ بخش عمده روایات نبوی در میانه قرن دوم شکل گرفته‌اند، در حالی که روایات صحابه و دیگر راویان و «سنت جاریه» مدارس فقه قدیم اندکی کهن‌تر است. وی معتقد است که شواهد مربوط به روایات فقهی، ما را به حدود سال ۱۰۰ هجری می‌رساند؛ تفکر فقهی اسلام از اواخر حکومت اموی آغاز شد که در برخی از روایات موجود منعکس شده است.⁶⁰

در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ م، جان ونزبرو و دو شاگردش، پاتریشیا کرون و مایکل کوک، نظرات شکاکانه‌تری درباره منابع اسلامی ارائه کردند. آن‌ها مدعی شدند که اغلب منابع تاریخ متقدم اسلام (قرون اول و دوم هجری)، فقط بازتاب نظریات و دغدغه‌های نسل‌های متأخر است. شکاکان نوین، بخش عمده یا تمامی سیره سنتی پیامبر صلی الله علیه و آله را جعل و داستان فرض می‌کنند و معتقدند که به منظور تشخیص صحت تاریخی وقایع صدر اسلام، باید در

58. Dating Muslim Traditions, P.206-207.

59. Analyzing Muslim Tradition, p.2.

60. The Origins of Mohammadan Jurisprudence, p.4-5.

مصنوعات باستان‌شناسی، سکه‌شناسی و متون غیراسلامی کنکاش کنیم که آن‌ها را منابع خارج از حوزه اسلام (شواهد بیرونی) می‌نامند. ونزبرو، اسلام را محصول فرایندی که دست کم دو قرن پس از پیروزی‌های اعراب فراگیر شد، توصیف می‌کند. از نظری، مذهب جدید اسلامی پس از فتوحات و به تدریج از سنت یکتاپرستی متمایز شد.⁶¹

کرون و کوک در کتاب *هاجر بیسم*، هرچند وجود تاریخی پیامبر صلی الله علیه و آله را انکار نکردند، اما اهمیت تاریخی ایشان را دست کم دانسته و گزارش‌های کلیدی سیره را به عنوان (اخبار) غیرتاریخی نادیده گرفتند. برخی «شکاگان نوین» همچون یهودا نوو، جودیت گرن و کارل اهلش، بسیار افراط کرده و وجود تاریخی پیامبر اسلام را به کلی مجعول می‌دانند. کسانی چون سلیمان بشیر، جرالدهاوتینگ، ابن وزاق و هربرت برگ را نیز می‌توان متعلق به رویکرد «شکاکیت نوین» دانست.

۲-۴. رویکرد سنت‌گرا یا خوش‌بین

برخی از مستشرقان مانند نلده، بکرووات موضعی معتدل درباره منابع اسلامی و روایات اتخاذ کردند. در دوره معاصر، محققانی مانند خوتیرئیل، یوزف فان‌اس، هارالد موتسکی، گریکور شولروآندریاس گورکه، به «سنت‌گراها» یا «خوش‌بینان» شهرت یافته‌اند. نقطه مشترک این عده در آن است که: منابع اسلامی را در تحلیل تاریخی روایات معتبر می‌دانند و در واقع، اعتبار «شواهد درونی» را در شناخت تاریخ اسلام پذیرفته‌اند. این عده روایات اسلامی را دارای حدی ازارزش تاریخی می‌دانند، با وجود این‌که معتقدند این روایات در فرایند انتقال دچار تغییراتی شده‌اند.⁶²

نتیجه

با وجود گسترش حدیث پژوهی و رویکردهای گوناگون به آن در دوران معاصر، جریان‌شناسی کاملی در این باب صورت نگرفته است. چنین کاری اولاً به علت معاصر بودن و سپری نشدن تاریخ تفکرات رایج، و ثانیاً به سبب ناپختگی روش‌های نو در این زمینه، دشوار می‌نماید. با این حال، در این مقاله کوشش شد طریقی برای این کاری ریزی شود. روش به کاررفته در این پژوهش، تقسیم‌بندی رویکردهای گوناگون بر اساس پاسخ به این سؤال بود که آیا انسان در شناخت جهان هستی به دین نیاز دارد یا خیر؟ بر این اساس،

61. Hawting, *The Sectarin Milieu*, Foreword, p. ii-v.

62. *Dating Muslim Traditions*, p. 250; *The Biography of Mohammad*, p.13-15.

جریان‌ات مختلف نص‌گرا، عقل‌گرا، شهودگرا و نوگرا از هم متمایز شدند. سپس تلاش شد هر رویکرد به شاخه‌های خود تفکیک شود و نظرات افراد شاخص هر رویکرد اجمالاً معرفی گردد. بر اساس آنچه گذشت، به نظر می‌رسد که در سال‌های اخیر، رویکرد جمهوردرمیان‌اهل سنت و رویکرد اصولیان در میان شیعیان بیشترین طرفدار را داشته و رویکردهای مبتنی بر اجتهاد - اعم از اجتهادات فقهی و کلامی مبتنی بر قرآن، سنت معتبر، عقل و دیگر معیارهای معتبر در هر مذهب - رایج‌تر از روش‌های یک‌سویه، نظیر تأکید یکسره بر قرآن یا عقل بوده است. رویکردهای سلفیه، قرآنیون و متصوفه در بین اهل سنت و رویکرد نواخباری و تجدیدنظرطلبان در شیعه، طرفداران کمتری داشته‌اند. چنین می‌نماید که رویکردهای نوگرا نیز چندان مورد استقبال عموم مسلمانان واقع نشده و گسترش عقل‌گرایی در سال‌های اخیر، به خصوص در میان شیعیان، به معنی دفاع از نقادی متصرفانه در سنت اسلامی نیست. حجم گسترده کتب و نوشته‌هایی که در مخالفت با نوگرایان و محققان غربی نوشته می‌شود، به روشنی گواه این مدعاست.

کتابنامه

- الاتجاهات المعاصرة فى دراسة السنة النبوية فى مصر وبلاد الشام، محمد أسود، دمشق: دار الكلم الطيب، ۱۴۲۹ق / ۲۰۰۸م.
- آراء محمد رشيد رضا فى قضايا السنة النبوية من خلال مجلة المنار، محمد بن رمضان رمضانى، الرياض: مجلة البيان، ۱۴۳۴ق.
- اسرار هزارساله، على اكبر حكيمى زاده، تهران: دفتر پرچم، چاپخانه پیمان، ۱۳۲۲ش.
- الاسلام عقيدة وشریعة، محمود شلتوت، الطبعة السابعة عشرة، القاهرة/ بيروت: دار الشروق، ۱۴۱۱ق / ۱۹۹۱م.
- اسلام و تجدد، مهدى نصیری، تهران: انتشارات کتاب صبح، ۱۳۸۰ش.
- أضواء على السنة المحمدية، محمود ابوريه، نشر البطحاء، الطبعة الخامسة.
- بحار الأنوار، محمد باقر مجلسی، بيروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ق / ۱۹۸۳م.
- تجريد البخارى و مسلم من الاحاديث التى لا تلزم، جمال البنا، بيروت: الانتشار العربى، ۲۰۱۱م.
- تدوين السنة، ابراهيم فوزى، رياض: الرئيس للكتب والنشر، ۱۹۹۵م.
- جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران: سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۲۰، رسول جعفریان،

- تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۰ ش.
- جریان های فکری در حوزه معاصر قم، محسن طباطبایی فر، تهران: نشر نی، ۱۳۹۴ ش
- دراسات فی الحدیث النبوی و تاریخ تدوینہ، محمد مصطفی اعظمی، الرياض: العماریة، ۱۹۸۱ م / ۱۴۰۱ ق.
- دفاع عن السنة وردّ شبه المستشرقین و الكتاب المعاصرین، محمد محمد ابو شهبة، القاهرة: مجمع البحوث الاسلامیة.
- السنة النبویة بین أهل الفقه وأهل الحدیث، محمد غزالی، القاهرة: دار الشروق، الطبعة الحادیة عشر، ۱۹۹۶ م.
- السنة و مکانتها فی التشریع الاسلامی، مصطفی سباعی، بی جا: المکتب الاسلامی، ۲۰۰۰ م.
- شیعه شناسی انتقادی در ایران معاصر: طرح بحثی تیپولوژیک، مقصود فراستخواه، (http://farasatkah.blogspot.com/۲۲۴/post-۲۱/۰۱/۱۳۹۳)
- شیعی گری: بخوانند و داوری کنند، احمد کسروی، تهران: چاپخانه پیمان، ۱۳۲۳ ش.
- الفرقان فی تفسیر القرآن، محمد صادقی تهرانی، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۵ ق / ۱۹۸۵ م.
- فقه السیرة، محمد غزالی، دمشق: دار القلم، الطبعة السابعة ۱۴۱۸ ق / ۱۹۹۸ م.
- فقه گویا، محمد صادقی تهرانی، بی جا، بی نا، بی تا.
- الفکر الاسلامی: نقد و اجتهاد، محمد ارکون، ترجمة و تعليق: هاشم صالح، الجزائر: المؤسسة الوطنية للكتاب.
- القرآن و کفی مصدر للتشریع الاسلامی، احمد صبحی منصور، بیروت: الانتشار العربی، ۲۰۰۵ م.
- القرآن: من التفسیر الموروث الی تحلیل الخطاب الیدینی، محمد ارکون، ترجمة و تعليق: هاشم صالح، بیروت: دار الطلیعة، الطبعة الثانية، ۲۰۰۵ م.
- القرآنیون و شبهاتهم حول السنة، حسین الهی بخش، الطائف: مکتبه الصدیق، ۱۴۲۱ ق / ۲۰۰۰ م.
- قضاوت زن در فقه اسلامی همراه با چند مقاله دیگر، نعمت الله صالحی نجف آبادی، تهران: انتشارات امید فردا، ۱۳۸۴ ش.
- قضايا قرآنية، جمال البنا، بیروت: الانتشار العربی، ۲۰۱۱ م.
- کسر الصنم: نقض کتاب اصول الکافی، ابوالفضل البرقعی، ترجمة: عبدالرحیم ملازاده البلوشی، راجعه و علق علیه و قدم له: عمر بن محمود ابو عمر، عمان: دار البیارق،

- ۱۴۱۹ق / ۱۹۹۸م.
- ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام، غلامحسین ابراهیمی دینانی، تهران: انتشارات طرح نو، چاپ چهارم، ۱۳۸۹ش.
- المدخل الى عذب المنهل، شعرانی میرزا ابوالحسن، چاپ رضا استادی، قم: مطبعة باقری، ۱۳۷۳ش.
- مکتب تفکیک، محمدرضا حکیمی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- مکتب در فرایند تکامل، سید حسین مدرسی طباطبایی، ترجمه: هاشم ایزدپناه، تهران: انتشارات کویر، ۱۳۸۹ش.
- من النقل الى العقل، الجزء الثاني، علوم الحديث: من نقد السند الى نقد المتن، حسن حنفي، بيروت: دار الامير، ۲۰۱۰م / ۱۴۳۰ق.
- الموضوعات في الآثار والأخبار، هاشم معروف حسني، بيروت: دار التعارف، ۱۴۰۷ق / ۱۹۸۷م.
- موقف الجمهوريين من السنة النبوية، شوقي بشير، مجلة دعوة الحق، السنة السابعة، العدد ۷۱، ۱۴۰۸ق / ۱۹۸۷م.
- الميزان في تفسير القرآن، محمد حسين طباطبائي، قم: منشورات جماعة المدرسين في الحوزة العلمية.
- نحو تفعيل قواعد نقد متن الحديث: دراسة تطبيقية على بعض احاديث الصحيحين، اسماعيل كردی، دمشق: دار الاوائل، ۲۰۰۸م.
- نظرية السنة في الفكر الامامي الشيعي: التكون والسيرورة، حيدر حب الله، بيروت: الانتشار العربي، ۲۰۰۶م.
- نقد وبررسی کتاب مکتب در فرایند تکامل، حسن طارمی راد، مجله سفینه، بهار ۱۳۸۷، شماره ۱۸.
- نگاهی به جریان های حدیثی معاصر اهل سنت، مهدی مهریزی، مجله علوم حدیث، سال نهم، شماره ۴ (پیاپی ۳۴)، زمستان ۳۸۳.
- نهج الاعتزال في الاتجاهات الفكرية المعاصرة، ظافر بن سعيد شرقة، الرياض: دار الوعى، ۱۴۳۵ق.
- اليمين واليسار في الفكر الديني، حسن حنفي، دمشق: دار علاء الدين، ۱۹۹۶م.
- «در باره روشنفکری دینی»، آرش نراقی، راه نو، سال اول، شماره ۹.

- «دفاع از روایات بحارالأنوار: نقد کتاب مشرعة بحارالأنوار»، مهدی حسینیان قمی، علوم حدیث، ش ۲۹، پاییز ۱۳۸۲.
- «دفاع از روایت مهدویت: نقد کتاب مشرعة بحارالأنوار ۲»، مهدی حسینیان قمی، فصلنامه انتظار، زمستان ۱۳۸۳ ش ۱۰.
- «عقل خودبنیاد دینی»، محمدرضا حکیمی، همشهری ماه، شماره ۹، آذر ۱۳۸۰ ش.
- «قرآن بسندگی و انکار حجیت حدیث: بررسی خاستگاه و اندیشه های اهل قرآن / قرآنیون»، سید علی آقایی، فصلنامه معرفت کلامی، سال اول، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۹.
- «کژخوانی تاریخ تشیع»، محمدجواد رضائی، فصلنامه مدرسه، شماره ۴، مهر ۱۳۸۵.
- «مشرعة بحارالأنوار»، محمدتقی اکبرنژاد، فصلنامه حوزه، سال ۲۶، شماره ۳-۴، پیاپی ۱۵۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۸.
- Analysing Muslim traditions: studies in legal, exegetical and Maghazi hadith, Harald Motzki, with Nicolet Boekhoff-van der Voort and Sean W. Anthony, Leiden; Boston: Brill, 2010.
- Dating Muslim Traditions: A Survey», Harald Motzki, Arabica 52:2 (2005) Leiden: Brill, 204-253.
- Quran, Hadith, and Islam, Rashad Khalifa, Smashwords Edition, Copyright, 2010.
- The Biography of Mohammad: Nature and Authenticity, Gregor Schoeler, translated by Uwe VagelPohl, Edited by James E. Montgomery, Routledge, 2011.
- The Origins of Mohammadan Jurisprudence, Joseph Schacht, Oxford, Clarendon Press, 1950.
- The Sectarian Milieu: Content and Composition of Islamic Salvation History, John Wansbrough, Amherst, New York, 1978.